

"اعلان عهد پادشاهی صلح"

پدر راستین

بیست و سوم مارس دو هزار و چهار، واشنگتن

اعضای عزیز مجلس سنا و نمایندگان ایالات متحده، رهبران مذهبی از سراسر دنیا، مهمانان محترم. مایل هستم تا مراتب قدردانی خودم را از حضور شما در این مکان در عین مشغلت بسیار شما بعمل آورم.

خانمها و آقایان، نقطه‌ی آغازین گره گشائی و حل مشکلاتی را که انسان امروز با آن مواجه است، شناخت مسلم خدا، پدر تمامی آفرینش، و بر اساس آن تاسیس خانواده‌های راستینی است که در ملازمت به خدا زندگی می‌کنند. این امر ما را به تاسیس خانواده و ملازمت به خدا- نه بعنوان يك مفهوم، بلکه بعنوان والدین واقعی خود- در درون خانواده‌هایمان فرا می‌خواند. برای انجام



این امر، نخست باید رابطه‌ی بین انسان و خدا را روشن کنیم. خدا ماهیت اصیل عشق راستین، زندگی راستین و نسب خونی راستین می‌باشد و او والدین راستین تمامی بشریت است.

اگر بشر سقوط نکرده بود، ما می‌توانستیم بعنوان فرزندان راستین خدا، در عشق راستین او به کمال دست یافته و در ملازمت به او در مقام والدین خود زندگی کنیم. طرح و برنامه‌ی خدا برای انسانهای کامل این بود که آنها بعنوان شوهر و زن به هم پیوسته، صاحب فرزندان راستین شده و آنها را پرورش بدهند تا بتوانند در پادشاهی خدا بر روی زمین زندگی کرده و سپس با یکدیگر بعنوان خانواده‌های پادشاهی بهشتی تا به ابد در دنیای روح زندگی کنند. برای لحظه‌ای به این موضوع بیاندیشید. این چگونه بهشتی خواهد بود اگر پدر شما به جهنم رفته و تنها مادر شما به بهشت برود؟ اگر والدین شما به جهنم رفته و تنها شما فرزندان به بهشت بروید، چطور می‌توان آن مکان را بهشت نامید؟ پادشاهی بهشتی مکانی است که تمامی اعضای خانواده با هم در يك پادشاهی صلح ابدی زندگی کنند. بر روی زمین نیز، خدا در جایی ساکن خواهد شد که تمامی اعضای خانواده، پادشاهی بهشتی را تاسیس کرده باشند. در چنین خانواده‌ای، دنیای ایده‌آل



اصیل خدا، پادشاهی خدا بر روی زمین، ریشه می‌گیرد. بنابراین چگونه می‌توانیم این خانواده‌ی بهشتی را بر روی زمین تاسیس کنیم؟

نخست هریک از اعضای خانواده به تکمیل خصوصیات فردی خود نیاز دارند. هر فردی باید طبیعت‌های سقوط کرده را که بواسطه‌ی سقوط، نسل به نسل به ما به ارث رسیده است، از وجود خود بیرون رانده و به کمال در خصوصیات فردی خود نائل شود. بعبارت دیگر، هر فردی باید در غلبه بر ناسازگاری بین روح و جسم خود به پیروزی نائل آید. آنگاه دنیای هماهنگی در

درون خصوصیات کامل هر فرد، به قلبی واحد، روحی واحد و اندیشه‌ای واحد تولد خواهد بود. طبیعت سقوط کرده، که باعث حسادت، غبطه، حساست، تنفر و تمامی دیگر چیزهای پلیدی می‌شود، دیگر هرگز در وجود فردی که به این مراحل دست یافته باشد، ریشه نخواهد گرفت.

بیرون راندن طبیعت سقوط کرده آسان نیست. از واقعیت‌های انسان سقوط کرده این است که ما حتی در ترك عادت‌های شکل گرفته در طی دوره‌های نسبتاً کوتاه زندگی، از جمله سیگار کشیدن و نوشیدن مشروبات الکلی این دست و آن دست می‌کنیم. آنگاه نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که ترك کردن طبیعت‌های سقوط کرده‌ی به ارث رسیده از طریق نسب خونی در طی هزار و یا حتی دهها هزار سال آسان باشد.

این امر تنها با کار و تلاش انسان میسر نخواهد بود. ضروری است که ما بر پایه ایمان مطلق ایستاده، خدا را بعنوان محور عمودی قرار داده و با تمامی زندگی خود به مبارزه بپردازیم. حتی در آن صورت نیز، پیکار سختی خواهد بود. ما حتی نمی‌توانیم به این فکر کنیم که پیروز خواهیم شد، مگر اینکه در جایگاه عشق مطلق در پیشگاه خدا قرار گرفته، او را حتی بیشتر از والدین و فرزندان خود دوست داشته و به او بعنوان والدین راستین خود ملازمت کنیم. ما بدون داشتن پایه‌ی اطاعت مطلق در برابر خدا و پیروی از او حتی به قیمت از دست دادن زندگی خود، نمی‌توانیم هیچ امیدی برای پیروزی در این پیکار داشته باشیم.

به این دلیل است که مذاهب، به روزه گرفتن، پرهیزکاری، فداکاری و توبه کردن ارجحیت خاصی داده‌اند. ما باید دوباره متولد شده، بسان افرادی تازه که خدا در آنها سکنی گزیده و بعنوان کسانی که دنیای روح بتواند با آنها همکاری کند، شکل تازه‌ای به خود بدهیم. حتی اگر تمامی زندگی و وجود ما در مقابل تمامی آفرینش خدا برملا شود، نباید حتی ذره‌ای خجالت زده شویم. خصوصیات ما باید در بالاترین موقعیت خورشید، در يك خط مستقیم عمودی شکوه خدا، بدون ذره‌ای سایه قرار گیرد، تا شیطان بطور ابدی از برابر ما بگریزد. دوم، افرادی که به این حد از درگیری در کمال خصوصیات خود نائل آمده‌اند، بسوی یکدیگر آمده و خانواده‌های راستین تشکیل داده و اعضای این خانواده‌ها با هم برای تاسیس چیزی که من آن را "چهار حوزه‌ی بزرگ قلب" می‌نامم، تلاش خواهند کرد. چنین خانواده‌هایی در ظاهر، شبیه فردی هستند که به کمال اتحاد روح و جسم دست یافته است. من قبلاً اعلام کردم که پادشاهی بهشتی مکانی است که بصورت خانوادگی به آن پای می‌گذاریم. اما هر خانواده‌ای صلاحیت ورود به بهشت را ندارد. شما برای داشتن خانوادگی راستین و تکمیل چهار حوزه‌ی قلب به پایه نیاز دارید. يك خانوادگی راستین که می‌تواند وارد پادشاهی بهشتی شود از افراد راستینی ترکیب شده است که چهار حوزه‌ی بزرگ قلب را در درون خود تکمیل نموده و از يك نسب خونی متمرکز بر خدا برخوردار باشند.

منظور من از چهار حوزه‌ی بزرگ قلب چیست؟ این موضوع به تکمیل قلب والدین، قلب بین شوهر و زن، قلب فرزندان و قلب خواهر و برادر اشاره دارد. اینها را می‌توان در پیوند يك خانوادگی راستین توسط عشق راستین، زندگی راستین، نسب خونی راستین خدای اصیل از طریق عفت و پاکدامنی سه نسل پیاپی پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها، والدین و نوه‌ها یافت. در اینجا عشق بین والدین و فرزندان رابطه عمودی بین بالا و پائین را تشکیل داده، عشق بین شوهر و زن رابطه‌ی افقی را تاسیس می‌کند که چپ و راست را در يك یگانگی قطعی به سوی یکدیگر می‌آورد. و عشق بین خواهران و برادران رابطه‌ی بین جلو و عقب را تاسیس می‌کند. از این طریق ایده‌آل آفرینش خدا دیگر صرفاً يك برداشت یا يك رؤیا نخواهد بود. بلکه بصورت واقعی از طریق تکمیل چهار حوزه‌ی بزرگ قلب متمرکز بر نسب خونی راستین، بطور خانوادگی کامل خواهد بود.

همانطور که والدین از مراحل تولد دادن به فرزند و سپس بزرگ کردن و تربیت کردن آنها توسط عشق راستین طی طریق می‌کنند، حوزه‌ی عشق والدینی بطور طبیعی شکل می‌گیرد. بعبارت دیگر، این قلب است که والدین را قادر می‌سازد تا با احترام گذاشتن به فرزندان خود مالک عشق راستین شوند. بدون فرزند، هیچکسی نمی‌تواند در مقام والدین صاحب عشق شود.

پس از آن، حوزه‌ی قلب زناشویی، رابطه‌ی عشقی است که نسب خونی راستین را گسترش می‌دهد. در اینجا، شوهر و زن هر يك از دیگری برای قرار دادن او در مقام مالک عشق قدران بوده و هر کدام عشق راستین را از طریق داد و دریافت آن با دیگری می‌آموزند. آنها از آموختن عشق راستین وقتی که شوهر برای خاطر همسرش زندگی کرده، حتی

اگر به معنای فدا کردن زندگی خود باشد لذت برده و زن با قلبی در ملازمت به خدا، به شوهرش ملازمت می‌کند. تکامل روابط شوهر و زن تنها بر این پایه ممکن خواهد بود.

در زمانیکه عروس و داماد در شب عروسی خود با برکات خدا، عشق را با هم سهیم می‌شوند، قصر عشق راستین، زندگی راستین، و نسب خونی راستین را به ارث می‌برند. زن از طریق شوهر خود، پسر ایده‌آل خدا را دریافت می‌کند، کسی که همچنین برادر بزرگ خدا، شوهر خدا، والدین خدا است. شوهر در مقامی همخوان برای دریافت همسر خود می‌ایستد. وقتی که حوزه‌ی قلب زناشویی کامل شود، رابطه‌ی بین شوهر و زن نیز مطلق، یگانه، تغییر ناپذیر و ابدی می‌شود، زیرا خدا، مطلق، یگانه، تغییر ناپذیر و ابدی است. بنابراین عبارت "طلاق" حتی وجود نخواهد داشت. زندگی آنها يك زندگی سرشار از خوشحالی، لبریز از فقط شکوفه‌های احترام و عشق متقابل خواهد شد.



دیگر اینکه، چطور می‌توان قلب فرزندان را تشریح کرد و این قلب چگونه بدست می‌آید؟ والدین در مقام مرکزی، در جایگاه خدا در خانواده قرار دارند و این غیر ممکن است که کودکی بدون وجود والدین متولد شود. به همین خاطر، رابطه‌ی بین والدین و فرزندان نه با اصول اخلاقی بشری بلکه با اصول اخلاقی بهشتی بر پا می‌شود. همچنین، رابطه‌ی بین والدین و فرزندان نه يك رابطه‌ی افقی بلکه يك رابطه‌ی عمودی است. این رابطه، رابطه‌ای نیست که تلاش بشری بتواند آن را تغییر بدهد، بلکه يك رابطه‌ی مقدر شده ی مطلق و ابدی است.

فرزندان همانطور که به والدین خود ملازمت کرده و آنها را در مقامی بالاتر از خودشان قرار می‌دهند، قلب عشق راستین را تجربه کرده و می‌آموزند. آنها از طریق مراحل طبیعی درک می‌کنند، که عشق، زندگی و نسب خونی را که از والدین خود به ارث برده‌اند، از خدا سرچشمه می‌گیرد. فرزندان که اینگونه با نگاه کردن به والدین خود آموخته و رشد می‌کنند، شوهران و زنانی فاقد هرگونه طبیعت سقوط کرده شده و سرانجام خودشان به مقام والدین راستین نائل خواهند آمد. حرکت کروی واحد خانواده که بطور مداوم در طی سه نسل بدین ترتیب تکرار می‌گردد، الگوی بنیادی برای تاسیس پادشاهی بهشتی خواهد بود.

در آخر، حوزه‌ی قلب خواهری و برادری از طریق برادران و خواهرانی که بعنوان يك خانواده در ملازمت به والدین راستین زندگی می‌کنند، ناشی می‌شود. قبلاً متذکر شدم که قلب بین برادران و خواهران رابطه‌ی بین جلو و عقب را بوجود می‌آورد. والدین راستین، شوهر و زنی هستند که با حقیقت زندگی کرده، و فرزندان کسانی که در ملازمت به چنین والدینی زندگی می‌کنند بطور طبیعی نظم سیستم اخلاقی بین برادران و خواهران و اصول اخلاقی بهشتی را می‌آموزند.

منظره‌ی زیبایی خواهد بود، جائیکه برادر کوچکتر به برادر بزرگتر بسان پدر احترام گذاشته و به او ملازمت کند و بالعکس برادر بزرگتر بسان پدر با قلبی مملو از عشق از برادر کوچکتر خود مواظبت کند. برادر بزرگتر نماینده‌ی "جلو" و برادر کوچکتر نماینده‌ی "عقب" می‌باشد. برادر بزرگتر نماینده‌ی پدر است در حالیکه برادر کوچکتر نماینده‌ی مادر است. کمال حوزه‌ی قلب بین برادران و خواهران، پایه‌ای برای تمامی مردم در زیستن برای دیگران از طریق عشق ورزیدن و خدمت کردن می‌باشد.

مهمانان محترم، همانطور که تعداد "پادشاهی‌های خانواده‌ی صلح‌آمیز راستین" همراه با تکامل چهار حوزه‌ی بزرگ قلب رو به افزایش است، "پادشاهی‌های قبیله‌ی صلح‌آمیز راستین" "پادشاهی‌های ملت صلح‌آمیز" و سرانجام "پادشاهی جهانی صلح‌آمیز" پدیدار خواهند شد. اینگونه این جهان، دنیای اصیل ایده‌آل خدا، پادشاهی خدا بر روی زمین،

پادشاهی ابدی صلح بر روی زمین خواهد شد. من امروز این را اعلان می‌کنم. بشریت بدون داشتن این شناخت محض، که تاسیس خانواده‌های راستین فرمان پایه‌ای و جدی خدا است، زندگی کرده است.

امروز عصر تازه‌ای فرارسیده است. تعداد مردمی که در سراسر دنیا آموزش‌های من را دریافت کرده و برای تاسیس پادشاهی صلح با اشتیاق قد برافراشته‌اند، بدون هیچ حد و مرزی رو به رشد است. زمین و بهشت از فریادهای جوانان سرزنده‌ای به لرزه در آمده است که برای تاسیس خانواده‌های راستین مصمم بوده و برای حفظ پاکی خود حتی اگر لازم باشد زندگی‌شان را فدا خواهند کرد. ما تا به این زمان صدها میلیون از خانواده‌های برکت گرفته در سراسر دنیا داریم. این خانواده‌ها برای محکم کردن دنیائی که بواسطه‌ی فساد اخلاقی مرتباً رو به نابودی است، در تلاش هستند.

این همه‌ی داستان نیست. دنیای روح در گشایش دوره و عهد پادشاهی صلح از ما يك قدم جلوتر است. در آغاز پنج مقدس بزرگ و سپس بیش از صد و بیست میلیارد از خانواده‌های برکت گرفته برای همکاری با ما بر روی زمین، بطور شبانه و روزی در حال تلاش هستند و برای روزی که فرا خواهد رسید خود را آماده می‌کنند. بر طبق اصل آفرینش، دنیای ایده‌آل خدا نخست باید بر روی زمین به واقعیت درآید. اگر چه بشر امروز بازماندگان سقوط هستند، عشق پایان ناپذیر خدا و همکاری دنیای روح اکنون به ما این اجازه را می‌دهند که طبیعت پادشاهی بهشتی را درک کنیم. لطفاً متوجه باشید که هم اکنون زمان تحقق انقلاب عشق راستین سراسر هماهنگی، با بهره برداری از آثار معجزه‌آسای دنیای روح است. زمان آن برای شما نیز فرا رسیده است که قلبتان را گشوده و اسراری را که خدا در این زمان توسط من آشکار می‌کند، دریافت کنید. از يك نظر، من مانند همه‌ی شما انسان هستم و با يك بدن جسمی زندگی می‌کنم. ولی از نقطه نظر مشیت الهی، من سفیر خدا هستم، که با اختیار تام او به زمین فرستاده شده‌ام. من به زمین فرستاده شدم تا فرمان او را در نجات شش میلیارد انسان و بازسازی آنها به حوزه‌ی الهی، همراه با خوبی اصیل که با آن آفریده شده بودند، به انجام برسانم.

پنج مقدس بزرگ و بسیاری از رهبران در دنیای روح، حتی رهبران کمونیست مانند مارکس، لنین، کسانی که به تمامی انواع رفتارهای وحشیانه و کشتار بر روی زمین دست زده‌اند، و همچنین دیکتاتورهای چون هیتلر و استالین، در آموزش‌ها و تعالیم من توان و قدرت یافته، راه خود را اصلاح کرده و بسان يك انسان تازه دوباره متولد شده‌اند. امپراطورها، پادشاهان و رؤسای جمهور که زمانی از توانگری و قدرت بر روی زمین لذت می‌بردند، و حتی خبرنگارانی که در سطح جهانی شهرت داشته‌اند، اکنون خود را در خط مقدم ستون انقلاب عشق راستین قرار داده‌اند. آنها با هم مصوبه‌ای را به روی زمین فرستادند که ابراز عزم و اراده‌ی آنها تحت تعالیم خانواده‌ی راستین ایده‌آل من است. آنها به زمین و بهشت اعلان کردند که رورند سان میانگ مون کسی جز مسیح، سرور در ظهور دوباره، نجات دهنده بشریت و والدین راستین نیست. این مصوبه در تمامی گوشه و کنار زمین اعلام شد. مهمانان عزیز، اکنون تنها مسئله زمان است. به این جهان نظر بیافکنید. آیا چیزی را مشاهده می‌کنید که به شما برای آینده امید واقعی بدهد؟ دیر یا زود، ما باید تمامی دارائی خود را برای بازماندگانمان بجای گذاشته و این دنیا را ترك کنیم. چه هدیه‌ای بهتر از این خواهد بود که شما ایده‌آل خانواده را در خانواده‌ی خودتان تکمیل کنید، تا صلح و شادی ابدی برای فرزندان شما تضمین شود؟ بطور قطع هر کسی با داشتن چنین موقعیتی، نباید در انجام وظیفه‌ی تاسیس پادشاهی صلح بر روی زمین که خدا هزاران سال در انتظار آن بوده است، تردید کند.

من اکنون با توجه نحوه‌ی محاسبه‌ی کره‌ای به سن هشتاد و پنج سالگی رسیده‌ام، ولی بیشتر از هر کس دیگری به کار و تلاش ادامه خواهم داد تا روزی فرا برسد که در آن زمین از خانواده‌های راستین خدا پر شود، اسلحه‌ها در خاورمیانه به زمین بیافتد، آتش جنگ جای خود را به صلح و شادی بدهد و انعکاس فریاد مانسی (پیروزی ابدی) در پایکوبی برای اتحاد سرزمین پدری من، کره، از پهنای اقیانوس آرام تا آمریکا شنیده شود. امیدوارم که شما رهبران، نماینده‌ی شش میلیارد انسان روی زمین در این مراسم، دست در دستان من بگذارید. من شما را برای پیشی گرفتن در تاسیس آنچه که ایده‌آل خدا و خواست تمامی بشریت است، یعنی پادشاهی صلح بر روی زمین، فرامی‌خوانم.

متشکرم.